



بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت) به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر

خجسته باد اول ماه مه

روز اعلام کیفرخواست طبقه کارگر علیه تمام نظام سرمایه‌داری

رفقای کارگر!

اول ماه مه روز اتحاد و همبستگی بین‌المللی کارگران فرارسیده است. در اول ماه مه، پرچم‌های سرخ کارگری در اقصا نقاط جهان به اهتزاز درمی‌آیند و ضرورت به گور سپردن نظم پوسیده سرمایه‌داری را که مدت‌هاست دوران آن به سر آمده، یادآوری می‌کنند. گرچه پاندمی مرگبار کرونا برای دومین سال پیاپی موانعی جدی بر سر راه حضور گسترده کارگران در خیابان و تظاهرات و راهپیمایی به وجود آورده است، اما میلیون‌ها کارگر در سراسر جهان چرخ‌های تولید را متوقف می‌سازند، با شور و حرارت به استقبال اول ماه مه می‌روند و در اشکال و شیوه‌های گوناگون، اراده واحد خود برای براندازی نظم سرمایه‌داری و استقرار سوسیالیسم را به نمایش می‌گذارند.

اول ماه مه در شرایطی فرامی‌رسد که جهان سرمایه‌داری با بحران‌های عمیق اقتصادی-سیاسی و اجتماعی روبروست. سرمایه‌داری جهانی نه فقط هنوز نتوانسته به شرایط پیش از بحران عمیقی که سال ۲۰۰۷ آغاز شد بازگردد، بلکه ادامه و تشدید بحران بیش‌ازپیش ناتوانی و ورشکستگی این نظام را به نمایش گذاشت تا آنجا که حتی در مقابل یک ویروس و بیماری ناشی از آن نیز به‌زانو درآمد. میلیون‌ها انسان بی‌دفاع را، سرمایه‌داری به کام مرگ فرستاد. ده‌ها میلیون تن، کار خود را از دست دادند. طبقه سرمایه‌دار حتی در ببحوجه انباشت کشته‌ها در شهرها و بیمارستان‌ها، از انباشت سرمایه غافل نبود و بر سود خود افزود. بهداشت و درمان و دارو و واکسن و جان انسان، یکسره ابزار سود ورزی و انباشت سرمایه شد. اولویت سود و سرمایه بر سلامت و بهداشت انسان‌ها، بار دیگر ماهیت ضد انسانی نظام سرمایه‌داری را در برابر چشم جهانیان قرارداد. بحران کرونا، ورشکستگی و پوسیدگی نظام کثیف بهر مکتبی و ضرورت براندازی آن و استقرار نظامی نوین و سوسیالیستی را عیان‌تر ساخت.

رفقا و هم‌زمان!

در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی اوضاع به‌مراتب وخیم‌تر است. طبقه کارگر ایران در شرایطی به استقبال اول ماه مه می‌رود که زیر شدیدترین فشارها و تنگناهای اقتصادی و معیشتی قرار دارد. بحران اقتصادی پیوسته عمیق‌تر شده و تمام بار آن بردوش کارگران قرار گرفته است. دستمزدهای بسیار اندک و ناچیز، گرانی سرسام‌آور کالاهای حیاتی موردنیاز مردم، فقر شدید و فزاینده، بیکاری و بیماری، کارگران و عموم توده‌های زحمتکش را به سئوه آورده است. در حالی که کارگران به‌شدت و بی‌رحمانه استثمار می‌شوند اما اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها زیر خط فقر زندگی می‌کنند. چند میلیون نفر تنها به خاطر کرونا کار خود را از دست داده‌اند که از هرگونه حمایت دولتی محروم‌اند. افزون بر تمام فشارهای اقتصادی، همه‌گیری بیماری کرونا روزگار مردم را سیاه کرده است. سیاست‌های ارتجاعی و ضد مردمی دولت حاکم در قبال کرونا، دروغ‌پردازی‌ها، کتمان واقعیت، سهل‌انگاری‌ها، رهاسازی عمده توده مردم به حال خود، بی‌توجهی مطلق به جان و سلامت مردم، فاجعه بسیار بزرگی را برای کارگران و دیگر اقشار مردم زحمتکش در سراسر کشور رقم زده است. جمهوری نکیبتبار اسلامی که حتی پیش از کرونا در میان کارگران و توده‌های مردم زحمتکش ایران، یک رژیم سرتاپا فاسد، رسوا، مفتضح و جنایت‌کار و مورد نفرت و انزجار آن‌ها بود، با کرونا و عملکرد مجرمانه و جنایت‌کارانه‌اش در قبال آن، مفتضح‌تر و رسواتر شد. رژیمی که تاکنون ده‌ها هزار تن را به کام مرگ فرستاده، صدها هزار تن دیگر را به بیماری کرونا دچار ساخته، روزانه بیش از ۳۰۰ نفر را به قربانگاه کرونا می‌فرستد و میلیون‌ها تن دیگر را نیز بی‌هیچ‌گونه اقدام پیشگیرانه‌ای در یک‌قدمی خطر مرگ و انهداده است.

رفقا و هم‌زمان!

کارگران ایران تنها با خطر مرگ ناشی از بیماری کرونا و تنها با فقر، گرسنگی، بیکاری و استثمار بی‌رحمانه روبرو نیست. دیکتاتوری عربان و استبداد سیاسی طبقه سرمایه‌دار حاکم، کارگران را از ابتدائی تر بین حقوق انسانی و آزادی‌های سیاسی از جمله حق ایجاد تشکل‌های صنفی و سیاسی خود محروم ساخته است. اعتصابات، تجمعات و اعتراضات کارگری ولو به خاطر خواست‌های صنفی و اقتصادی، با سرکوب، بازداشت، زندان، اخراج و حتی شلاق پاسخ می‌گیرند. همه‌جا کارگران پیشرو و فعالان کارگری و سندیکایی در معرض ارباب و پیگرد دستگاه پلیسی قرار دارند. پرونده‌سازی‌های امنیتی و قضایی علیه کارگران آگاه، به امر عادی و روزمره تمام سرمایه‌داران و دولت آن‌ها تبدیل شده است. علی‌رغم تمام این اقدامات سرکوبگرانه و محدودیت‌های کرونائی، مبارزات کارگری در اشکال متنوع و گوناگون فزونی گرفته‌اند. صدها اعتصاب و تجمع و راهپیمایی در صنایع و رشته‌های گوناگون از جمله در راه آهن، برق، مخابرات، حمل‌ونقل جاده‌ای و شهری، شهرداری‌ها، پتروشیمی‌ها، کشت و صنعت‌ها، معادن، فولاد، ذوب‌آهن، نفت و گاز و حفاری گویای همین واقعیت است. اعتراضات و اعتصابات هماهنگ فرا واحدی و فراملی در حال افزایش است. اعتصاب فراگیر کارگران صنعت نفت و گاز و پتروشیمی در مرداد سال ۹۹ که در آن کارگران ده‌ها پالایشگاه و پتروشیمی و شرکت‌های نفت و گاز و حفاری به‌طور هم‌زمان دست از کار کشیدند، از برجسته‌ترین اعتصابات فرا واحدی و فراملی و رشته‌ای است که جهت‌گیری و سیر تکاملی جنبش طبقه کارگر از اعتصابات تک‌واحدی و پراکنده به سمت اعتصابات هماهنگ رشته‌ای را ترسیم نمود. در برق نیز اعتراضات سراسری در حال بازتولید است. بازنشستگان تأمین اجتماعی و معلمان نیز بارها در شکل سرتاسری دست به اعتراض زده‌اند.

تجربه جنبش طبقه کارگر در دو سال اخیر این واقعیت را اثبات می‌کند که افزون بر خواست‌های متعدد اقتصادی و صنفی، خواست‌های سیاسی طبقه کارگر نیز در این مبارزات پررنگ بوده‌اند. آزادی تشکل مستقل و تجمع، پایان دادن به فضای امنیتی در محیط‌های کار، لغو احکام قضایی و پایان دادن به پرونده‌سازی‌های امنیتی علیه کارگران، بازگشت به کار کارگران اخراجی و لغو خصوصی‌سازی از جمله خواست‌هایی هستند که تقریباً در هر اعتصاب و اعتراض کارگری بر زبان کارگران جاری شده‌اند و بدین اعتبار خصلت سیاسی و ضد دولتی مبارزات کارگری تقویت شده است. بنابراین سرکوب و تهدید و اخراج و زندان، نه توانسته است کارگران و اعتصابات و مبارزات کارگری را از صحنه خارج سازد و نه حتی توانسته است کم و کیف این مبارزات و مطالبات کارگران را تنزل دهد.

رفقای کارگر!

این واقعیت امروز بر همگان آشکار شده که خیزش بزرگ دی‌ماه ۹۶ بر یک دوران رکود سیاسی نقطه پایان گذاشت و آغازگر یک دوران پرتلاطم سیاسی، یک دوران انقلابی شد. در تمام این دوران، مبارزات توده‌ای و اعتصابات کارگری علی‌رغم افت‌وخیزها و موانع بزرگی که کرونا ایجاد کرد، بی‌وقفه ادامه داشته و با رشد اشکال فراگیر و سراسری توأم بوده است. مبارزات مستقیم و علنی و حتی تعرضی در حال افزایش بوده است. قیام سراسری آبان ۹۸ به‌روشنی نشان داد که در تحت شرایطی که تضاد میان بالائی‌ها و پائینی‌ها حاد شده و به نقطه ستیز رسیده است هر رویداد بزرگ یا کوچکی می‌تواند به انفجاری بزرگ فراورید و اعتراضات گسترده توده‌ای را شعله‌ور سازد. "پیکار کف خیابان، چه دی باشه چه آبان" فقط یک شعار نبوده است. امروز علاوه بر کارگران، معلمان، دانش‌آموزان، پرستاران، کشاورزان نیز وارد خیابان شده‌اند. شعار "نان، کار، آزادی- اداره شورایی" که پرچم آن را بخش پیشرو طبقه کارگر برافراشت، در تمام طول این سال‌ها نه‌فقط در رأس مطالبات طبقه کارگر بوده بلکه به شعار و خواست عموم زحمتکشان نیز تبدیل شده است. توده‌های زحمتکش و تهیدست جامعه که آبان ۹۸ با جسارت و قهرمانی و از خودگذشتگی وارد عرصه نبرد رویاروی با رژیم حاکم شدند، به مراکز ستم و سرکوب و نهادهای مذهبی و مؤسسات مالی طبقه سرمایه‌دار حاکم پورش بردند و آن را به آتش کشیدند، به آشکارترین شکلی نه‌فقط نفرت و انزجار عمیق خود از حکومت مذهبی و رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، بلکه نفرت از تمام نظم سرمایه‌داری حاکم را به نمایش گذاشتند. توده‌های مردم در قیام سراسری بار دیگر نشان دادند که دیگر نمی‌خواهند و نمی‌توانند وضع موجود را تحمل کنند و برای تغییر و دگرگونی بنیادی آن، به اقدام عملی و مبارزه تا پای جان روی آورده‌اند. بهرغم گذشت یک سال و نیم از قیام آبان اما تمام شواهد و مختصات دوران پرتلاطم سیاسی کنون حاکی از آن است که جامعه کماکان آستان حوادث و تکان‌های شدید اجتماعی است. تا آنجا که حتی عناصری از درون طبقه حاکم پیوسته از خطرات بروز تکان‌های اجتماعی سخن می‌گویند و به‌صراحت خطر انقلاب را هشدار می‌دهند. تمام راه‌های طبقه حاکم برای حل بحران‌های موجود باشکست روبرو شده‌اند. هیچ اراده‌ای در هیچ سطحی برای پاسخگویی به خواست‌ها و نیازهای طبقه کارگر و سایر زحمتکشان وجود ندارد. یگانه پاسخ ارتجاع حاکم سرکوب و وحشی‌گری بیشتر بوده است. اما سرکوب و وحشی‌گری، نظم موجود را نجات نخواهد داد و تغییری در اجتناب‌ناپذیری انقلاب ایجاد نخواهد کرد.

رفقای کارگر!

انقلاب اجتناب‌ناپذیر است و وظیفه پرولتاریا در انقلاب بسیار مهم و دشوار. چراکه تنها طبقه کارگر است که می‌تواند و باید جنبش‌های اعتراضی توده‌ای جدا از هم را در یک جنبش واحد سراسری به هم پیوند دهد. تنها طبقه کارگر است که به‌عنوان یک نیروی سراسری از اقتدار و توانایی شکل دادن به یک جنبش سراسری برخوردار است. تنها طبقه کارگر است که با متشکل شدن و استفاده از اشکال عمده مبارزه خود از نمونه مبارزات اقتصادی و سیاسی عمومی و سراسری می‌تواند یک جنبش متحد سراسری برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را شکل دهد و انقلاب را به پیروزی برساند. از درون اشکال عالی مبارزه طبقه کارگر است که شوراها به‌عنوان ارگان‌های سیاسی اعمال حاکمیت طبقه کارگر پدیدار می‌شوند، دولت شورایی در برابر عموم توده‌های مردم قرار می‌گیرد و با استقرار حکومت شورایی است که کارگران و زحمتکشان می‌توانند سرنوشت خود را در دست‌گیرند. خوشبختانه شوراها و آلترناتیو شورایی و کارگری طی دو سال گذشته با سرعت شگفت‌انگیزی جای خود را در میان کارگران و زحمتکشان باز و حتی تثبیت کرده است. این موضوع اما از اهمیت اشکال مبارزه کارگری و شکل‌گیری شوراها در جریان این مبارزات نمی‌کاهد.

بنابراین طبقه کارگر برای سازمان‌دهی اعتصابات سراسری از هم‌اکنون باید خود را آماده و تجهیز کند. کمیته‌های مخفی کارخانه و کمیته‌های اعتصاب باید در تمام کارخانه‌ها و صنایع و مؤسسات تولیدی و خدماتی ایجاد کرد و از پیوند کمیته‌های اعتصاب در واحدهای مختلف، کمیته هماهنگی اعتصاب در یک‌رشته معین را که از نیازهای مبرم مرحله کنونی جنبش است سازمان داد. بدیهی است که در مراحل پیشرفته‌تر، با پیوند کمیته‌های هماهنگی رشته‌های مختلف، می‌توان تشکیلات هماهنگی و کمیته اعتصاب سراسری فرا رشته‌ای را سازمان داد. این وظیفه بسیار مهم و سنگین بردوش پیشروترین و آگاهترین کارگران قرار گرفته است. نفت نخستین گام مؤثر را در این زمینه برداشت که اعتصاب فراگیر مرداد ۹۹ محصول آن بود. اپراتورهای برق فشارقوی، کارگران توزیع برق، کارگران راه‌آهن، مخابرات، پتروشیمی و کارگران فکری در بخش خصوصی آموزش‌وپرورش و برخی کارگران دیگر گام‌های اولیه اما مهمی در این زمینه برداشته‌اند که باید با گام‌های بعدی تکمیل شود. معادن، خودروسازی‌ها، فولاد و سایر بخش‌ها نیز باید در همین مسیر گام نهند.

رفقای کارگر!

با متشکل شدن طبقه کارگر و کاربست اشکال سازمان‌یابی و شیوه‌ها و اشکال مبارزاتی مختص این طبقه و ورود تأثیرگذار آن به صحنه است که می‌توان و باید سایر اقشار زحمتکش را حول پرچم طبقه کارگر بسیج کرد و پدیدار شدن قیام و انقلاب از درون تلاطم‌های سیاسی را به پیروزی رساند. جز این باشد، تلاطم سیاسی جامعه ولو به قیام و انقلاب منجر شود، قرین پیروزی نخواهد شد. سلاح مبارزاتی بسیار مهم و بُرنده طبقه کارگر اعتصاب است. طبقه کارگر با اعتصاب‌های اقتصادی و سیاسی سرتاسری است که می‌تواند رژیم را به‌طور جدی فلج کند، رهبری تمام جنبش را به دست گیرد، اعتصاب عمومی سیاسی را سازمان دهد و بستر قیام مسلحانه پیروزمند توده‌ای و سرنگونی نظم حاکم را فراهم سازد.

رفقای کارگر!

اول ماه مه را در همبستگی با کارگران سراسر جهان تعطیل کنیم، دست از کار بکشیم و به هر شکل ممکن و ابتکاری این روز را گرامی بداریم. از یازدهم تا بیستم ماه مه روز اتحاد بین‌المللی کارگران علیه نظم سرمایه‌داری و اعلام این واقعیت است که برای نجات طبقه کارگر و کل بشریت از شر مصائبی که سرمایه‌داری به بار آورده است، راهی جز سوسیالیسم وجود ندارد.

خجسته باد اول ماه مه روز همبستگی بین‌المللی کارگران
نابود باد نظام سرمایه‌داری- زنده باد آزادی زنده باد سوسیالیسم
سرنگون باد رژیم جمهوری سلامی- برقرار باد حکومت □ وراپی
۲۹ فروردین ۱۴۰۰

